

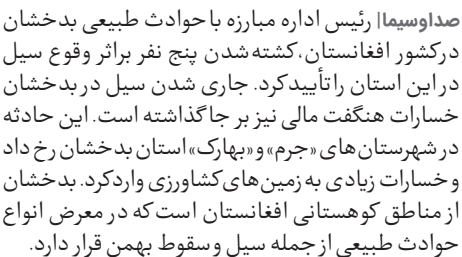
سهیل دیبا» «خوبی گم نمی‌شود»؛ این را قدیمی‌ترها می‌گفتند و به آن خیلی اعتقاد داشتند؛ جمله‌ای که بارها در جریان‌های مختلف ثابت شده است و نمونه‌های زیادی می‌توان برای آن مثال زد. یکی از بهترین نمونه‌ها، ماجرای عضو انجمن بیماران مرکز مغزی است که نام تمام اهداکنندگان عضو در حافظه تاریخی جامعه ثبت و ضبط شده است. تازه‌ترین عمل پیوند عضو پس از تأیید مرکز مغزی مرحوم «محمد حسن علی‌خانی» در بیمارستان منتصربه انجام شد و جراحی‌ای که از موافقت شاهنشاه مرحوم و انتقال پیکر او از بیمارستان حضرت قائم (عج) به مرکز پیوند اعضای دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام شد. در این جراحی پیوند عضو کبد زنده یاد علی‌خانی به مردی پناه‌یو چهارساله ساکن مشهد که نارسایی کبد رنج می‌برد، پیوند داده شد. در ادامه فرزند ارشد مرحوم پیوند به بانک چشم دانشگاه علوم پزشکی مشهد و قسمتی از پوست او نیز برای پیوند به بیماران بخش سوختگی بیمارستان امام رضا^(ع) مشهد ارسال شد. هرچند «محمد حسن علی‌خانی» ظاهراً از این دنیا رفته است، یاد او برای همیشه در ذهن جامعه زنده و پویا خواهد بود.

ایلاتا زن و شوهری با حضور در محل ستاد یه استان تهران، اقدام به پرداخت بدهی یک زندانی نیازمند جرایم غیر عمد کردند. این افراد که تازه از حجره جرم بازگشته‌اند، در تصمیمی خود پشیمانی به جای هزینه و لیمه و شام بازگشت از سفر، یک زندانی بدبخت و نیازمند از جرم نجات دادند. بتلاش این زوج، «مهرداد، ش» از زندان آزاد شد. این مدد جو پدري چهل و هشت ساله است که برای تأمین هزینه زندگی همسر، دو دختر و یک پسر دانش آموز، همراه یکی از دوستانش مغازه‌ای اجاره کرده و به کار فروش پوشاک مشغول شده بود. اما با تورم اقتصادی و کسادى بازار موفق به پاس کردن چک هایش نشد و با بدهی یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومانی راهی زندان شده بود. او محکوم به پرداخت ۱۰۰ میلیون تومان پیش قسط بود تا پس از آزادی، با باقی بدهی باره صورت قسط پرداخت کند. این زن و شوهر بدبخت با پرداخت ۵۰ میلیون تومان به عنوان بخشی از پیش قسط بدهی مهرداد، زمینه آزادی او را فراهم کردند تا وی پس از چهارده ماه تحمل حبس، نزد خانواده‌اش بازگردد. ۵۰ میلیون تومان باقی مانده را نیز خیران دیگر فراهم کرده بودند.

ایرنا کودک دوساله اهل روستای «هن» از توابع آیین شهرستان گناباد بر اثر برق‌گرفتگی ناشی از زکولر جان خود را از دست داد. براساس بررسی صورت‌گرفته، آیین کودک، دیروز هنگامی که به نهایه در حیطات منزل به مشغول بازی بوده است، بر اثر برخورد زکولر دارای مشکل اتصال بین چهار برق‌گرفتگی شده است. کودک در منزل تنها بوده است و مادرش بعد از برگشت به منزل با پیکر نیمه‌جان فرزندش مواجه شده بود. کارشناسان اورژانس با اطلاع از این حادثه به محل اعزام شدند و کودک بعد از احیا، ابتدا به هوش آمد ولی در نهایت هنگام انتقال به بیمارستان فوت کرد.

مهرا در جریان یک مراسم مذهبی در معبدی در ایالت گوا در جنوب غربی هند، شش نفر جان خود را از دست دادند و بیش از ۲۰ نفر زخمی شدند. پلیس علت حادثه را ازدحام جمعیت در این معبد واقع در منطقه شیرگانگوا اعلام کرده است. گفته می‌شود ۱۹ نفر از مجروحان در وضعیت وخیمی قرار دارند و در بیمارستان محلی تحت درمان هستند. تحقیقات برای روشن شدن علت دقیق وقوع این حادثه آغاز شده است.

اینانا صلیب سرخ فیلیپین ازکشته شدن دو فرزند جمله یک دختر چهار ساله و زخمی شدن چندین نفر در پی برخورد یک خودرو به ورودی فرودگاه بین المللی «مانیل» پایتخت این کشور خبر داد. تصادف زمانی رخ داد که این خودرو حفاظ اطراف راکشکست و وارد مسیر هواپیمادروزرندیکی ترمینال شماره یک فرودگاه شد. دو سوانح حادثه در حال مداوا هستند و راننده در بازداشت می باشد.



این نزاع شدید به دنبال یک اختلاف فامیلی از خیابان بشارت آغاز شد. و تا به‌لورای همهم ادامه پیدا کرده بود. نکته‌شاهدان، این نزاع پس از دعوی‌ای شدید بود و برادر و پسردایی‌شان آغاز شده بود. برادرهایی که با وجود فرار و پسردایی‌شان از مه‌لکه، همچنان در منطقه باقی مانده و با عریه‌دبشی به به‌جان خودرها و منازل مسکونی دیگری ساکنان منطقه افتادن. رفاری که سبب خشم تعدادی از ساکنان این منطقه و آغاز یک دعوی گسترده شد. پیگیری این پرونده نشان داد که آغاز این دگرگونی از یکسرمدی یک پیرمرد آغاز شده بود. پیرمردی که خانه‌اش را با پسر و نواش تقسیم کرده بود، اما با وجود این فداکاری «کریم» نوه پیرمرد، تنها حرم‌دین‌رزش را نگه نمی‌داشت. بلکه با او رفتاری می‌کرده است. سوء رفتاری که همچنان ادامه پیدا کرده است. تا آنجا که کریم دستش را به روی پدر بزرگ پیرش بلند کرده بود. پیرمرد که تا این لحظه

هواخواهی از پدر بزرگ با شمشیرکشی

دختر که زنی می‌انسان بود با دیدن چهره پدرش و حرف‌های او خوش به جوش آمد. تباجیه که از دو پسر جوانش خوش بود، می‌خواست که با پدرش بیرون برود و به هر شکلی که می‌تواند حتی با زور، کریم را سرچایش بنشانند. درخواستی که در مرد جوان که پیش از این به سه سابقه شراوت داشتند آن‌ها دریافتند آن‌ها را هیجان خبیان بشنای شدند (آن هم در شرایطی که به ادعای ساکنان منطقه هر دو برادر حالت طبیعی داشتند و مجزه به شمشیر و اسلحه لقل بودند). جایی که خانه پدر بزرگشان آنجا بود و بسپردایی شبان نیز ساکنان همان خانه بود. دو برادر را یک ترفند ساده پسردهای خود را به خیابان کشاندند و شروع به بکتن‌های محلی کردند. اقدامی که با فرار کریم از محل چندان طولانی نشد. کریم که می‌دانست توان مقابله با پسر عمه هایش را ندارد پس از یک زد و خورد کوتاه متواری شد. فراری که تنها باعث پایان دیگری نشد بلکه با عریضه‌کشی و خسارت این دو برادر به دیگران گسترش یافت.

● انتقال
هنوز چند
نگذشته
نزاع خون
هر لحظه

● انتقال مصدومان به بیمارستان

پلیس مقاومت آن‌ها را شکست و مأموران علاوه بر دستگیری دو برادر، مادران‌ها را نیز با هماهنگی دستگیر کردند. با درخواست پلیس، امدادگران اورژانس برای انتقال مصدومان به کلانتری خواجه ربیع آمدند. هم‌زمان با انتقال متهمان به بیمارستان شهید هاشمی نژاد، تحقیقات برای کشف و دستگیری افراد حاضر در این نزاع گروهی آغاز شده است.

ه و با توجه به حساسیت و اهمیت موضوع، شناسایی قاتل سورکار مأموران قرار گرفت. پلیس با بهره‌گیری از تجهیزات و دروش‌های نوین، اقدام به تحقیقات فنی کرد که ظن جنایی موضوع قتل محرز شد.

سریع مأموران و مدیریت فرمانده انتظامی شهرستان، کمت

ایستاد مرد بیست و هفت ساله ای که در یک مشاخره خیابانی، زن چهل و نه ساله ای را در جریان یک حادثه رانندگی و اقدام تلافی جوانان به قتل رسانده بود. پس از دستگیری به ارتکاب جنایت اعتراف کرد. عصر شنبه گذشته در تاسیسات ایستایم یک فقره تصادف جرحی در یکی از کوچه های شهر کرمان، از توابع شهرستان دماغان، با درگیری فوریتهای پلیسی ۱۱۰، مأموران در صحنه حاضر شدند و طی بررسیهای اولیه مشخص شد زنی چهل و نه ساله بر اثر حادثه تصادف با یک دستکش فلزی، مجروح و توسط عوامل اورژانس به بیمارستان منتقل شده و روانده متخلف پس از سامانه ۱۱۰ مزاحمتی متواری شده است. پس از اعلام موضوع مرگ زن بر اثر شدت جراحات

از دو ساعت پس از ارتکاب به قتل، قاتل شناسایی و پس از هماهنگی با مقام قضایی در یک عملیات ضربتی در مخفیگاه از همان شهر کلاته دستگیر شد. متهم در مواجهه با مستند به دست آمده توسط پلیس، چاره‌ای جز بیان حقیقت نداشت و به انگیزه قتل را اختلافات خانگی بیان کرد و گفت: من عبور از کوچه با خودرو خود به مقتول که در حال شستن فرش در کوچه بود، برخ کردم و به خاطر راه بردن با او درگیری لفظی پیدا کردم و همین موضوع باعث عصبانیت من شد و با خودم به نیت تلافی به سمتش رفتم و پس از برخورد با مقتول فرار کردم و از تشکیل پرونده، قاتل به سیر مراحل قانونی در اختیار مرجع قضایی قرار گرفت.

علی بابا زاده اظهار داشته بود و گرمای بهاری خستگی کارگران را چند برابر کرده بود. در لحظات ابتدایی استراحت کارگران دنیای آرام کارخانه موتورسازی به طورهای آتش و بوی دود و سوختگی به هم انبار بزرگ و پراز لاستیک و کارتن به سرعت آسمان را دودی غلیظ فراگرفت. ساعت سرکارگر به سرعت با مرکز فرماندهی

A photograph showing several firefighters in yellow protective gear working on a severely damaged, collapsed roof structure. The scene is filled with debris and exposed wooden beams, indicating a major structural failure. The sky is clear and blue.

شاهد تماس گرفت. در این بین کارگران یکی
 پل های آب را بر روی آتش پاشیدند، اما
 دقایق زیادی نگذشت که صدای آژیر
 نشانی در بزرگراه پیامبر اعظم (ص) طنین انداز
 می‌راز و وقوع حادثه‌ای جدی در بزرگراه پیامبر
 بلافاصله ۲۲ دستگاه خودرو سوختگیر حریق
 موفن به همراه هفتاد آتش نشان به محل
 عملیات با تلاش آتش نشانان به مدت یک

[illegible]